



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۸ - تابستان ۱۴۰۵

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیس، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطرار در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عبدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرججوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلر
بزه دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بابلی، یاسر شاکری



Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع

همایون مافی

Homayoun Mafi

Professor of International Trade Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran

استاد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
mafi@ujsas.ac.ir

محسن راعیسی

Mohsen Raecisi

Master of Business Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran (Corresponding Author)

کارشناس ارشد حقوق شرکت‌های تجاری، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
rezaehsani1996@gmail.com

احمدرضا امیری لاریجانی

Ahmadreza Amiri Larijani

Master of Business Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran

کارشناس ارشد حقوق شرکت‌های تجاری، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
ar.amirilarijani@gmail.com

Abstract

Documentary credit is one of the most important payment mechanisms in international trade, providing greater security and certainty for the parties through the independent undertaking of the issuing bank. The opening of a documentary credit not only facilitates the performance of the underlying sales contract but also gives rise to various legal effects concerning the buyer (applicant) and the beneficiary (seller). On the one hand, the buyer is obligated to provide the necessary funds and reimburse the bank for payments made under the credit; on the other hand, the beneficiary acquires the right to claim payment upon presentation of documents that comply with the terms and conditions of the credit. Furthermore, the independence principle of documentary credits and the doctrine of strict compliance play a significant role in determining the scope of the parties' rights and obligations. This article aims to examine and analyze the legal effects arising from the opening of a documentary credit with respect to the buyer and the beneficiary, focusing on their legal relationship with the issuing bank. The research adopts a descriptive-analytical method, and the required data have been collected through library research, legal sources, regulations, and relevant international practices. The findings indicate that the opening of a documentary credit creates reciprocal rights and obligations for both the buyer and the beneficiary while enhancing legal certainty and reducing the risks associated with international commercial transactions.

Keywords: Letters of Credit, Beneficiary, Issuing Bank, Buyer, UCP 600.

چکیده

اعتبار اسنادی یکی از مهم‌ترین ابزارهای پرداخت در تجارت بین‌المللی است که با ایجاد تعهد مستقل بانک گشاینده، امنیت و اطمینان بیشتری را برای طرفین معامله فراهم می‌سازد. گشایش اعتبار اسنادی علاوه بر تسهیل اجرای قرارداد فروش، آثار حقوقی متعددی را نسبت به خریدار (متقاضی اعتبار) و ذینفع (فروشنده) به دنبال دارد. از یک سو، خریدار متعهد به تأمین وجوه و جبران پرداخت‌های انجام شده از سوی بانک بوده و از سوی دیگر، ذینفع در صورت ارائه اسناد منطبق با شرایط اعتبار، از حق مطالبه وجه اعتبار برخوردار می‌شود. همچنین، استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه و حاکمیت اصل مطابقت ظاهری اسناد، نقش مهمی در تعیین حدود حقوق و تعهدات طرفین ایفاء می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع، به تحلیل روابط حقوقی میان آنان و بانک گشاینده پرداخته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، قوانین، مقررات و رویه‌های بین‌المللی مرتبط گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که گشایش اعتبار اسنادی ضمن ایجاد حقوق و تعهدات متقابل برای خریدار و ذینفع، موجب تقویت امنیت حقوقی و کاهش ریسک‌های ناشی از معاملات بین‌المللی می‌شود.

واژگان کلیدی: اعتبار اسنادی، ذینفع، بانک گشاینده، خریدار، یو سی پی ۶۰۰.

ارجاع:

مافی، همایون؛ رئیسی، محسن؛ امیری لاریجانی، احمدرضا؛ (۱۴۰۵)، آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

اعتبار اسنادی به عنوان یکی از کلیدی ترین و پیچیده ترین ابزارهای پرداخت و تضمین در تجارت بین الملل، نقشی اساسی در تسهیل و تأمین امنیت مبادلات تجاری ایفاء می کند. این سازوکار با ایجاد یک تعهد مستقل از سوی بانک گشاینده به نفع ذینفع در قبال ارائه اسناد مطابق، ریسک های مرتبط با معاملات بین المللی را برای طرفین کاهش می دهد. با این حال، روابط حقوقی سه گانه میان متقاضی، ذینفع و بانک گشاینده به دلیل پیچیدگی های ذاتی و نیاز به انطباق دقیق اسناد با شرایط اعتبار، همواره با چالش های خاص و ابهاماتی همراه است.

مسئله محوری این پژوهش به بررسی تعهدات و اختیارات ذینفع در ارائه اسناد مربوط می شود. در این راستا، این پرسش مطرح می شود که آیا ذینفع به طور الزامی ملزم به ارائه اسناد مشخص و مطابق با شرایط اعتبار است یا این که این امر در زمره اختیارات او قرار دارد؟ این موضوع می تواند تأثیر عمیقی بر فرایند پرداخت و ریسک های حقوقی و مالی برای طرفین داشته باشد. همچنین، مسئولیت های بانک گشاینده در قبال خریدار و ذینفع و آثار حقوقی گشایش اعتبار اسنادی بر حقوق و تعهدات هریک از طرفین، نیازمند تبیین دقیق و مشخص است. علاوه بر این، پدیده تقلب از سوی ذینفع به عنوان یک استثناء، می تواند اصل استقلال اعتبار اسنادی را به چالش بکشد و ضرورت تحلیل عمیق در زمینه

حقوق و مسئولیت‌های بانک گشاینده در چنین مواردی را نمایان می‌سازد.

با وجود گسترش روزافزون استفاده از اعتبار اسنادی در مبادلات بین‌المللی، بسیاری از اختلافات تجاری ناشی از ابهام در حدود حقوق و تعهدات خریدار و ذینفع پس از گشایش اعتبار اسنادی است. از آن جا که اعتبار اسنادی مبتنی بر اصول ویژه‌ای همچون استقلال اعتبار از قرارداد پایه و لزوم مطابقت دقیق اسناد است، آثار حقوقی آن بر روابط طرفین معامله همواره محل بحث در رویه بانکی و ادبیات حقوقی بوده است. افزون بر این، توسعه تجارت فرامرزی، پیچیده‌تر شدن عملیات بانکی و افزایش دعاوی ناشی از اعتبارات اسنادی، ضرورت تبیین دقیق جایگاه حقوقی خریدار و ذینفع و شناسایی حقوق و تعهدات آنان را دوجندان کرده است. از این رو، بررسی آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی می‌تواند ضمن رفع ابهامات نظری، راهکارهای مناسبی برای حل اختلافات عملی ارائه کرده و به ارتقاء امنیت حقوقی و کارایی معاملات تجاری بین‌المللی کمک کند.

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این نیاز مبرم است که با واکاوی تمامی ابعاد حقوقی مذکور، از روابط اولیه تا مسئولیت‌ها و پیامدهای خاص، تصویری جامع و کاربردی از اعتبار اسنادی ارائه دهد و بدین ترتیب، به روشن شدن ابهامات، پیشگیری از اختلافات و ارتقاء رویه‌های صحیح در این حوزه یاری رساند. در بخش اول، رابطه حقوقی بین بانک گشاینده اعتبار و متقاضی به عنوان آمر مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رابطه بر اساس اصول و مقررات بین‌المللی، به ویژه مقررات یو سی پی ۶۰۰، شکل می‌گیرد و متضمن حقوق و تعهدات متقابل طرفین است. آمر حقوقی نظیر درخواست گشایش اعتبار مطابق با شرایط تعیین شده و حق اعتراض نسبت به اقدامات بانک را دارا است. بانک نیز موظف به گشایش اعتبار مطابق با دستورالعمل‌ها و شرایط مشخص شده می‌باشد و در صورت عدم تطابق اسناد، حق نکول خواهد داشت. در بخش دوم، پژوهش به بررسی تعهدات ذینفع در ارائه اسناد می‌پردازد. این بخش به طور خاص به این پرسش می‌پردازد که آیا ذینفع ملزم به ارائه اسناد معین است یا این که اختیار ارائه آن‌ها را دارد؟

۱- اثر حقوقی گشایش اعتبار نسبت به خریدار

رابطه حقوقی میان بانک گشاینده اعتبار و متقاضی در بستر اعتبار اسنادی، ستون فقرات کل فرایند را شکل می‌دهد و بر اساس یک قرارداد محوری بنا شده است که غالباً «قرارداد گشایش اعتبار» نامیده می‌شود، این قرارداد، نقطه آغازین تعهدات و حقوق متقابل طرفین است. از منظر حقوقی، این قرارداد اغلب ماهیتی دوگانه دارد، عمدتاً به عنوان یک قرارداد وکالت تلقی می‌شود، به این معنا که متقاضی به بانک وکالت می‌دهد تا به نمایندگی از او اقدام به گشایش اعتبار اسنادی نماید و تعهدات مالی مربوطه را بر عهده بگیرد. در این نقش، بانک وکیلی امین برای متقاضی محسوب می‌شود که ملزم به رعایت دستورالعمل‌ها و امانت‌داری حرفه‌ای است، با این حال، جنبه اعتباری نیز در این قرارداد وجود دارد، چرا که بانک متعهد به تأمین یا تضمین پرداخت مبلغی مشخص به ذینفع می‌شود. برخی نیز معتقدند که این قرارداد دارای ماهیت مرکب است، چرا که می‌تواند عناصر وکالت، حواله، و حتی قرض را در خود جای دهد.

تعهدات بانک گشاینده در قبال متقاضی شامل گشایش اعتبار اسنادی دقیقاً مطابق با دستورالعمل‌های دریافتی، بررسی دقیق و ظاهری اسناد ارائه شده توسط ذینفع و در صورت انطباق اسناد، پرداخت به ذینفع، قبول بروات یا تأیید اعتبار است. همچنین، بانک موظف به ابلاغ گشایش اعتبار و هرگونه اصلاحیه به ذینفع بوده و مهم‌تر از همه، باید به اصل استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه پایبند باشد. به این معنی که تعهد بانک به پرداخت، فارغ از هرگونه اختلاف احتمالی میان خریدار و فروشنده است. در مقابل، تعهدات متقاضی نیز حائز اهمیت است، او باید وجه لازم برای پوشش تعهدات بانک را در زمان مقرر تأمین نماید که می‌تواند به صورت پیش‌پرداخت، تودیع وثیقه، مسدود کردن حساب یا از طریق تسهیلات بانکی باشد. بازپرداخت مبلغ اعتبار در صورت لزوم نیز از جمله تعهدات او است. همچنین، پرداخت کلیه کارمزد و هزینه‌های مربوط به گشایش، اصلاح و اجرای اعتبار اسنادی نیز بر عهده متقاضی است.

پس از دریافت اسناد از بانک، متقاضی موظف به بررسی و تحویل گرفتن آن‌ها در صورت انطباق

است و باید به تمامی شرایط و ضوابط مندرج در قرارداد گشایش اعتبار وفادار بماند. مسئولیت بانک گشاینده عمدتاً از نوع قراردادی است، در صورتی که بانک به دلیل قصور یا عدم رعایت دقت و مراقبت متعارف در اجرای تعهدات خود، به متقاضی خسارتی وارد آورد، مسئول جبران آن خواهد بود. با این حال، مسئولیت بانک به دقت متعارف محدود شده و او مسئولیتی در قبال صحت یا اعتبار واقعی اسناد ندارد، مگر در موارد سوءنیت یا تقصیر فاحش.

در تعیین حدود مسئولیت، علاوه بر قرارداد گشایش اعتبار، یو سی پی ۶۰۰ نقش محوری دارند، چرا که این مقررات چهارچوب بین‌المللی استاندارد را فراهم کرده و عموماً به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از قرارداد بین بانک و متقاضی در نظر گرفته می‌شوند. در نهایت، این رابطه پیچیده و متکی بر قواعد حقوقی و بین‌المللی، نقش حیاتی در کاهش ریسک‌های تجارت بین‌الملل و تسهیل آن ایفاء می‌کند (نابی، ۲۰۲۴، ۶۸). در ادامه، اثر حقوقی این رابطه که شامل حقوق و تعهدات متقاضی نسبت به بانک گشاینده اعتبار است، را بررسی خواهیم کرد.

۱-۱- حقوق خریدار نسبت به بانک گشاینده

متقاضی اعتبار، به عنوان طرف آمر در قرارداد گشایش اعتبار اسنادی، دارای حقوق متقابلی در برابر بانک گشاینده است که ضامن اجرای صحیح و قانونی این عملیات پیچیده تجاری است. از جمله اساسی‌ترین حقوق متقاضی، حق درخواست و انتظار گشایش اعتبار دقیقاً مطابق با دستورالعمل‌های ارائه شده به بانک است. این به آن معنا است که بانک موظف است تمامی شرایط، مبالغ، انواع اسناد، تاریخ‌های سررسید و سایر جزئیات مشخص شده توسط متقاضی را در متن اعتبار اسنادی به دقت رعایت کند و هرگونه تخطی از این دستورالعمل‌ها، می‌تواند نقض تعهد بانک تلقی شود. علاوه بر این، متقاضی این حق را دارد که بانک اسناد ارائه شده توسط ذینفع را با دقت و مراقبت متعارف و صرفاً بر اساس ظاهر آن‌ها بررسی کند تا از تطابق آن‌ها با شرایط اعتبار اطمینان حاصل شود. در صورتی که بانک در این بررسی دقت لازم را به عمل نیاورد و مثلاً اسنادی را که به وضوح دارای

مغایرت ظاهری هستند، پذیرد و پرداخت را انجام دهد، متقاضی حق دارد که نسبت به این اقدام بانک اعتراض کند.

مهم‌تر از آن، در صورت نقض قرارداد گشایش اعتبار توسط بانک گشاینده، متقاضی حق طرح دعوا علیه بانک را خواهد داشت. این نقض می‌تواند شامل عدم گشایش اعتبار مطابق دستور، تأخیر غیرموجه در گشایش، پرداخت به ذینفع به‌رغم عدم تطابق ظاهری اسناد، یا هرگونه اقدام دیگری باشد که منجر به ورود خسارت به متقاضی شود. در چنین مواردی، متقاضی می‌تواند با استناد به مفاد قرارداد گشایش اعتبار و نیز اصول کلی مسئولیت قراردادی، جبران خسارات وارده را از بانک مطالبه کند. این حق، تضمینی برای رعایت حقوق متقاضی و الزام بانک به انجام صحیح تعهداتش است. همچنین، متقاضی حق دارد که اطلاعات لازم و به‌موقع درباره وضعیت اعتبار اسنادی، از جمله گشایش، اصلاحات و ارائه اسناد توسط ذینفع را از بانک دریافت کند. این شفافیت در اطلاع‌رسانی، به متقاضی امکان می‌دهد تا بر فرایند نظارت داشته باشد و در صورت لزوم، تصمیمات مقتضی را اتخاذ کند.

در مجموع، حقوق متقاضی اعتبار نسبت به بانک گشاینده، چهارچوبی قانونی را فراهم می‌کند که از طریق آن، منافع متقاضی در این نوع از معاملات بین‌المللی حفظ شده و بانک نیز ملزم به رعایت استانداردها و دقت حرفه‌ای در اجرای تعهدات خود می‌شود (نابی، ۲۰۲۴، ۷۰).

۱-۱-۱- حق گشایش اعتبار مطابق با دستور خریدار

نقش بانک در فرایند گشایش اعتبار اسنادی، همانند یک میانجی دقیق و متعهد، نقشی حیاتی و سرنوشت‌ساز است. بانک گشاینده اعتبار، پس از دریافت فرم تقاضای گشایش اعتبار از سوی متقاضی، وظایف سنگین و روشنی را بر عهده دارد که همگی حول محور اجرای دقیق دستورالعمل‌های متقاضی می‌چرخند. این فرم تقاضا که معمولاً به‌صورت یک توافقنامه تجاری تنظیم شده است، سنگ بنای تمامی اقدامات بعدی بانک خواهد بود؛ چرا که بانک اصولاً از جزئیات

قرارداد اصلی و توافق‌های میان خریدار و فروشنده بی‌خبر است و نیازی هم به آگاهی از آن ندارد؛ بنابراین، مسئولیت متقاضی در ارائه اطلاعات کامل و دقیق در مورد مبلغ اعتبار، ذینفع، تاریخ انقضاء، اسناد لازم برای پرداخت و هرگونه بند یا شرط ویژه مربوط به کالا یا معامله، بسیار بالا است.

وظیفه محوری بانک در این میان، پایبندی کامل و بی‌چون و چرا به این دستورالعمل‌ها است. بانک گشایش‌کننده اعتبار اسنادی، موظف است این دستورات را به‌شدت رعایت کند و بدون رضایت متقاضی، حق تغییر هیچ یک از شرایط را ندارد. این اصل، از مهم‌ترین بنیادهای اعتبارات اسنادی است که در قواعد متحدالشکل اعتبارات اسنادی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. نقش اصلی بانک، در واقع، تنها تطبیق اسناد ارائه شده توسط ذینفع با شرایط و ضوابط مندرج در اعتبار اسنادی است. بانک با اسناد سروکار دارد، نه با کالاها یا ماهیت قرارداد اصلی، این بدان معنا است که بانک به‌عنوان یک عامل اجرایی، موظف به پیروی از فرامین مشتری خود است، فرامینی که در قالب همان تقاضانامه اولیه شکل گرفته‌اند (نابی، ۲۰۲۴، ۶۸).

در این میان، تمایز میان تقاضای گشایش اعتبار اسنادی و دستور گشایش اعتبار اسنادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و درک آن، کلید حل تضاد ظاهری موجود در این اصطلاحات است. در نگاه نخست، شاید این دو واژه هم‌معنی به نظر برسند، اما در حقوق اعتبار اسنادی، مراحل و روابط حقوقی گوناگونی را بازتاب می‌دهند. تقاضای گشایش اعتبار اسنادی که متقاضی به بانک ارائه می‌دهد، در ابتدا و پیش از هرگونه توافق با بانک، ماهیتی پیشنهادی دارد. در این مرحله، متقاضی اراده خود را برای گشایش اعتبار و با شروط خاصی اعلام می‌کند، این یک عمل حقوقی یک‌طرفه از جانب خریدار است که از بانک درخواست می‌کند تا یک خدمت خاص را ارائه دهد.

درخواست در واژه‌شناسی عمومی حقوق، به معنای تقاضا یا خواهشی است که ذاتاً الزام‌آور نیست و مرجع دریافت‌کننده می‌تواند آن را رد یا قبول کند. بانک نیز در این مرحله، درخواست را بررسی کرده و در مورد توانمندی اعتباری متقاضی، بینه مالی و خطرهای احتمالی ارزیابی می‌کند. تا زمانی که بانک این درخواست را نپذیرفته و قراردادی منعقد نشده است، هیچ تعهد الزام‌آوری برای گشایش

اعتبار متوجه بانک نیست. به عبارت دیگر، این تقاضا صرفاً آغازگر مذاکرات برای یک توافق قراردادی است و مبنای شکل‌گیری رابطه بانک و متقاضی است. اما زمانی که از دستور گشایش اعتبار اسنادی سخن می‌گوییم، در حقیقت به مرحله‌ای اشاره داریم که پس از پذیرش تقاضا توسط بانک و در نتیجه انعقاد یک قرارداد بین متقاضی و بانک گشاینده رخ می‌دهد.

این قرارداد که در عرف بانکی ممکن است در قالب همان فرم تقاضانامه تنظیم شود، ماهیت دوطرفه یافته و الزام‌آور می‌شود. در این نقطه است که بانک، به موجب این قرارداد، متعهد می‌شود که اعتبار اسنادی را دقیقاً مطابق با جزئیات و شرایطی که متقاضی در همان فرم تقاضا تعیین کرده، صادر کند. در این جا، واژه دستور دیگر معنای خواهشی صرف ندارد، بلکه تبدیل به تکلیف و الزامی حقوقی برای بانک شده است. این حق متقاضی است که بانک به دستورات او در گشایش اعتبار پایبند باشد.

به همین دلیل است که قواعد بین‌المللی بر رعایت دقیق دستورالعمل‌های متقاضی تأکید دارند؛ چرا که این دستورالعمل‌ها، پس از پذیرش بانک، تبدیل به مفاد الزام‌آور قرارداد گشایش اعتبار شده‌اند. بانک در این مرحله، به‌عنوان عامل اجرایی، موظف به تبعیت از خواسته‌های مشتری خود است. این فرایند، امنیت پرداخت را برای دادوستد تضمین می‌کند و اطمینان می‌دهد که اعتبار اسنادی دقیقاً بازتاب‌دهنده توافق میان خریدار و فروشنده است. متقاضی حق دارد به بانک خود مراجعه کرده و درخواست تخصیص اعتبار اسنادی را ارائه دهد و بانک نیز موظف به گشایش آن بر اساس اطلاعات کامل و دقیقی است که متقاضی مسئولیت ارائه آن را بر عهده دارد. اطلاعاتی که پایه و اساس اعتبار را تشکیل می‌دهند و دقت در ارائه آن‌ها برای پیشگیری از ناهماهنگی‌های آینده حیاتی است.

۱-۱-۲- حق طرح دعوی متقاضی علیه بانک گشاینده در صورت نقض قرارداد گشایش اعتبار

هنگامی که متقاضی اعتبار اسنادی قصد طرح دعوی علیه بانک گشاینده را به دلیل نقض قرارداد گشایش اعتبار اسنادی دارد، درک مبنای حقوقی دعوا از اهمیت بالایی برخوردار است. این حق

بنیادین متقاضی، ریشه در روابط قراردادی و تعهدات متقابل دارد که میان او و بانک گشاینده شکل می‌گیرد. در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، به ویژه در ایالات متحده امریکا، تمایز میان دعاوی ناشی از نقض قرارداد و دعاوی ناشی از تقصیر می‌تواند پیامدهای مهمی برای استراتژی دعوا و نوع خسارات قابل مطالبه داشته باشد. در این زمینه، قاعده زیان اقتصادی نقش محوری ایفاء می‌کند، این قاعده به‌طور خلاصه بیان می‌کند که اگر زیان وارده صرفاً اقتصادی باشد، خواهان نمی‌تواند برای جبران این زیان در چهارچوب حقوق تقصیر اقامه دعوی کند؛ بلکه باید ادعای خود را بر مبنای قرارداد پیگیری نماید. هدف این قاعده، حفظ مرز بین حقوق قرارداد، حقوق تقصیر و جلوگیری از تبدیل دعاوی قراردادی به دعاوی تقصیر است.

پرونده‌های متعددی این اصل را تبیین کرده‌اند، به‌عنوان مثال، در پرونده پیرمن علیه استوارت تایتل، خواهان تلاش کرد تا خسارات اقتصادی فراتر از سقف بیمه‌نامه را بر اساس نظریه تقصیر اظهارات نادرست ناشی از سهل‌انگاری از شرکت بیمه عنوان دریافت کند. با این حال، دادگاه حکم داد که قاعده زیان اقتصادی مانع از پیگیری شرکت بیمه عنوان در چهارچوب تقصیر می‌شود و ادعای خواهان به نقض قرارداد محدود می‌گردد. این امر به دلیل وجود یک رابطه قراردادی بین طرفین بود که می‌بایست تعیین‌کننده حقوق و تعهدات آن‌ها باشد. به‌طور مشابه، در پرونده کارپنتر ریالتورز علیه واتکینز، خواهان‌ها برای نقض قرارداد توسط یک بنگاه‌دار که منجر به زیان اقتصادی محض شد، درخواست خسارت کردند، بنگاه‌دار تلاش کرد تا ادعا را به سهل‌انگاری تغییر دهد تا بتواند از دفاعیات تقصیر استفاده کند، اما دادگاه دوباره تأکید کرد که قاعده زیان اقتصادی اعمال می‌شود و ادعای متقاضیان باید به‌عنوان نقض قرارداد تلقی گردد.

مهم‌ترین نمونه مرتبط با این بحث در زمینه بانکداری، پرونده کامیونیتی بانک آوترنتون علیه اشنوک مارکتر است. در این پرونده، بانک‌های صادرکننده کارت، به دلیل نقض امنیتی در شبکه‌های رایانه‌ای یک فروشگاه بزرگ که منجر به زیان‌های مالی گسترده از جمله جبران خسارت مشتریان برای تراکنش‌های تقلبی شده بود، از آن فروشگاه شکایت کردند، بانک‌ها تلاش کردند تا بر مبنای

سهل‌انگاری فروشگاه برای عدم حفظ امنیت کافی، خسارت دریافت کنند. قاضی «دیوید همیلتون» از شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر، با استناد به قاعده زیان اقتصادی، رأی داد که بانک‌ها نمی‌توانند برای زیان اقتصادی محض خود در چهارچوب تقصیر خسارت دریافت کنند. وی توضیح داد که برای بیش از پنجاه سال، دادگاه‌های ایالتی عموماً از به رسمیت شناختن مسئولیت‌های تقصیر برای زیان‌های صرفاً اقتصادی وارد شده توسط یک کسب و کار به دیگری که این کسب و کارها قبلاً وظایف، حقوق و راه‌حل‌های خود را از طریق قرارداد تعیین کرده‌اند، خودداری کرده‌اند. دلیل این قاعده این است که مسئولیت برای زیان صرفاً اقتصادی به‌طور مناسب‌تری توسط قانون تجاری تعیین می‌شود تا قانون تقصیر، یعنی توسط سیستم حقوق و راه‌حل‌هایی که خود طرفین ایجاد کرده‌اند.

این رویه قضایی به وضوح نشان می‌دهد که در روابطی که بر پایه قرارداد بنا شده‌اند، مانند رابطه بین متقاضی و بانک گشاینده در اعتبار اسنادی، دعاوی مربوط به زیان‌های اقتصادی ناشی از نقض تعهدات، باید در چهارچوب قانون قرارداد پیگیری شوند. این بدان معنا است که متقاضی باید اثبات کند که بانک گشاینده شرایط قرارداد گشایش اعتبار اسنادی را نقض کرده است و این نقض منجر به زیان‌های اقتصادی به او شده است و نه این که بانک مرتکب سهل‌انگاری یا تقصیر در مفهوم عام شده است (Sullivan, 2019, 658).

ابزار اعتبار اسنادی، به‌عنوان یکی از اجزای اصلی در تأمین مالی بازرگانی جهانی، نقش بی‌بدیلی در کاهش خطرات مبادلاتی و آسان‌سازی معاملات ایفاء می‌کند. این ابزار، اساساً تعهدی مستقل و برگشت‌ناپذیر از سوی بانک گشاینده به ذینفع است که به موجب آن، بانک متعهد می‌شود در صورت ارائه اسناد منطبق با شرایط اعتبار، مبلغ مشخصی را به ذینفع پرداخت کند، اما در پس این تعهد بانکی به ذینفع، قراردادی بنیادین میان متقاضی اعتبار که معمولاً خریدار کالا یا خدمات است و بانک گشاینده وجود دارد. این قرارداد، بستر قانونی برای گشایش اعتبار اسنادی و تعیین‌کننده حقوق و تعهدات دوجانبه متقاضی و بانک گشاینده است. در صورت زیر پا گذاشتن این قرارداد از سوی بانک گشاینده، متقاضی دارای حق طرح دعوی حقوقی علیه بانک خواهد بود.

رابطه میان متقاضی و بانک گشاینده، یک رابطه قراردادی است که اغلب در قالب درخواست برای گشایش اعتبار اسنادی یا توافقنامه بازپرداخت منعقد می‌شود. بانک گشاینده در این رابطه، متعهد به انجام وظایف خاصی در قبال متقاضی است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به وظیفه گشایش اعتبار مطابق با دستورالعمل‌ها اشاره کرد؛ بانک موظف است اعتبار اسنادی را دقیقاً بر اساس دستورالعمل‌ها و شرایطی که متقاضی ارائه داده است، گشایش کند؛ هرگونه انحراف از این دستورالعمل‌ها، به شرط آن که منجر به زیان برای متقاضی شود، می‌تواند مبنای نقض قرارداد تلقی گردد.

همچنین، وظیفه بررسی دقیق اسناد یکی از حساس‌ترین وظایف بانک گشاینده است که شامل بررسی منطقی اسناد ارائه شده توسط ذینفع برای اطمینان از مطابقت ظاهری آن‌ها با شرایط اعتبار اسنادی می‌شود. این وظیفه، بر اساس ماده ۱۴ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی و اصول کلی حقوق بانکی، بر عهده بانک است؛ هرچند که بانک فقط به ظاهر اسناد و نه به ماهیت واقعی کالا یا خدمات توجه می‌کند، اما کوتاهی در این بررسی دقیق می‌تواند به مسئولیت بانک منجر شود. علاوه بر این، وظیفه اطلاع‌رسانی نیز بر عهده بانک است؛ در صورت کشف عدم انطباق در اسناد، بانک موظف است در مهلت‌های مقرر، این عدم انطباق را به اطلاع ذینفع و متقاضی برساند؛ عدم اطلاع‌رسانی به موقع می‌تواند حق بانک برای نکول اسناد را سلب کند و به زیان متقاضی تمام شود. زیر پا گذاشتن قرارداد توسط بانک گشاینده می‌تواند در حالات مختلفی رخ دهد که هریک مبنایی برای طرح دعوی توسط متقاضی فراهم می‌آورد. این موارد شامل عدم گشایش یا ابلاغ اعتبار اسنادی است، به این صورت که متقاضی کلیه الزامات لازم را انجام داده باشد، اما بانک بدون دلیل موجه از گشایش یا ابلاغ اعتبار اسنادی به ذینفع خودداری کند (Weinberg, 1986, 910).

۱-۲- تعهدات متقاضی نسبت به بانک گشاینده

هنگامی که متقاضی از بانک گشاینده اعتبار در خواست گشایش اعتبار می‌کند، او در واقع مجموعه‌ای از تعهدات را نسبت به آن بانک می‌پذیرد. این تعهدات شامل سه بخش اصلی است،

نخستین و اساسی ترین تعهد متقاضی، تعهد به پرداخت وجه اعتبار است. این بدین معنا است که پس از این که بانک به درخواست متقاضی اعتباری را گشایش کرد و ذینفع طبق شرایط اعتبار، اسناد مربوطه را ارائه نمود، متقاضی موظف است مبلغ کامل اعتبار را به بانک بازپرداخت کند. این پرداخت می تواند در زمان سررسید تعیین شده یا بلافاصله پس از پرداخت بانک به ذینفع صورت گیرد و اساس رابطه اعتباری میان متقاضی و بانک را تشکیل می دهد.

علاوه بر اصل مبلغ اعتبار، متقاضی متعهد به پرداخت هزینه ها و کارمزدهای مربوط به گشایش و مدیریت اعتبار نیز هست. این شامل تمامی هزینه های بانکی از جمله کارمزد گشایش، اصلاح، تمدید و همچنین هرگونه هزینه های جانبی مانند پست، تلکس و سایر مخارجی است که بانک در طول فرایند اعتبار متحمل می شود. این هزینه ها برای پوشش خدمات و ریسک هایی است که بانک در قبال گشایش اعتبار برای متقاضی بر عهده می گیرد.

در نهایت، بخش مهمی از تعهدات متقاضی، تعهد به تودیع وثیقه است، بانک برای اطمینان از بازپرداخت وجه اعتبار و هزینه های مربوطه، معمولاً از متقاضی درخواست می کند که وثایق مناسبی را تودیع کند. این وثایق می توانند شامل انواع دارایی ها مانند وجه نقد، سپرده های بانکی، اموال غیرمنقول، سهام، اوراق بهادار یا ضمانت نامه های بانکی باشند. هدف از تودیع وثیقه، کاهش ریسک بانک در صورت عدم توانایی متقاضی در ایفاء تعهدات مالی اش است و به بانک این امکان را می دهد که در صورت لزوم، از محل این وثایق طلب خود را وصول کند. این سه تعهد در مجموع، چهارچوب حقوقی و مالی رابطه متقاضی با بانک گشاینده اعتبار را شکل می دهند.

۱-۱-۲- تعهد به تودیع وثیقه

در فرایند پیچیده و حیاتی تجارت بین الملل، اعتبار اسنادی به عنوان ایمن ترین و کارآمدترین ابزار مالی شناخته می شود، این امنیت ریشه در مکانیسم های دقیق و ضمانت هایی دارد که حقوق تمامی طرفین درگیر، یعنی خریدار، فروشنده و بانک های واسطه، را به دقت تأمین می کند. هرچند گاهی اوقات

رابطه بین بانک و مشتری درخواست کننده گشایش اعتبار بر پایه اعتماد متقابل استوار است و ممکن است نیازی به ضمانت‌های اضافی نباشد، اما در بسیاری از موارد، به ویژه زمانی که مشتری برای بانک ناشناخته باشد یا وضعیت مالی او بدون ارائه تضمین اجازه گشایش اعتبار را ندهد، حق بانک گشاینده در تودیع وثیقه از متقاضی اعتبار به یک رکن اساسی و حیاتی تبدیل می‌شود. این حق، جزء لاینفک قرارداد گشایش اعتبار بوده و به بانک این امکان را می‌دهد تا در قبال ریسک پرداخت وجه به ذینفع پیش از دریافت وجه از متقاضی، خود را تضمین کند. در واقع، این وثیقه، همچون یک سپر حفاظتی برای بانک در برابر عدم ایفاء تعهدات از سوی متقاضی عمل می‌کند.

ماهیت و ضرورت تودیع وثیقه از آن جا ناشی می‌شود که بانک گشاینده اعتبار، در مقام یک واسطه مالی، پرداخت وجه را به فروشنده تضمین می‌کند، حتی اگر متقاضی هنوز بهای کالا را به بانک پرداخت نکرده باشد. این تعهد بانک، ریسک قابل توجهی را متوجه آن می‌سازد و به همین دلیل، بانک معمولاً از متقاضی درخواست می‌کند که وثیقه‌ای مناسب را تودیع کند. هدف اصلی این وثیقه، پوشش دادن مبلغ کل اعتبار اسنادی به علاوه کارمزدها، هزینه‌ها و سودهای مربوطه است، ضرورت این امر به ویژه در مواردی برجسته‌تر می‌شود که متقاضی جدید یا ناشناخته باشد و سابقه همکاری قبلی یا اطلاعات مالی کافی از وی در دسترس نباشد، در این صورت، بانک برای کاهش ریسک، وثیقه را ضروری می‌داند. همچنین، اگر اعتبارسنجی مالی متقاضی نشان‌دهنده ریسک بالای بازپرداخت باشد، بانک برای اطمینان از وصول مطالبات خود، وثیقه سنگین‌تری را درخواست می‌کند. میزان اعتبار اسنادی نیز عامل مهمی است، هرچه ارزش کالا و مبلغ اعتبار بالاتر باشد، ریسک برای بانک افزایش یافته و به تبع آن، نیاز به وثیقه قوی‌تر احساس می‌شود، حتی نوع کالا نیز می‌تواند بر این امر تأثیر بگذارد. برخی کالاها به دلیل نوسانات قیمتی، قابلیت فساد یا مشکلات خاص در بازاریابی مجدد، ریسک بیشتری برای بانک ایجاد می‌کنند که مستلزم وثیقه مناسب است.

اشکال رایج وثیقه تودیع شده توسط متقاضی متنوع است و انتخاب آن‌ها بستگی به توافق بین بانک و متقاضی، سیاست‌های داخلی بانک و وضعیت مالی متقاضی دارد. سپرده نقدی امن‌ترین نوع

وثیقه برای بانک است، در این روش، متقاضی مبلغی را به صورت نقدی در حسابی نزد بانک مسدود می کند که تا زمان تسویه کامل اعتبار اسنادی قابل برداشت نیست، این مبلغ می تواند معادل کل یا درصدی از مبلغ اعتبار باشد. رهن اموال نیز از دیگر روش ها است، در این حالت، متقاضی می تواند اموال غیر منقول یا حتی برخی اموال منقول با ارزش را به عنوان رهن نزد بانک قرار دهد و ارزش کارشناسی اموال رهن شده مبنای پذیرش وثیقه قرار می گیرد. رهن اسناد تجاری و سهام نیز گزینه دیگری است که متقاضی می تواند اسناد تجاری قابل نقد شدن یا سهام شرکت های معتبر بورسی را به عنوان وثیقه ارائه دهد. ضمانت نامه بانکی نیز در مواردی که یک بانک دیگر ضمانت نامه ای به نفع بانک گشاینده صادر می کند، به عنوان وثیقه پذیرفته می شود. همچنین، تعهدات شخص ثالث که در آن شخص حقیقی یا حقوقی دیگری پرداخت بدهی متقاضی را تضمین می کند، می تواند به کار گرفته شود و نهایتاً، رهن کالا یکی از متداول ترین انواع وثایق در اعتبار اسنادی است که در آن اسناد مالکیت کالا نزد بانک باقی می ماند و در صورت عدم پرداخت متقاضی، بانک حق دارد کالا را بفروشد و مطالبات خود را وصول کند.

اجرای حق بانک در صورت عدم پرداخت از سوی متقاضی برای پرداخت وجه اعتبار اسنادی در موعد مقرر، به بانک گشاینده این حق را می دهد که فوراً نسبت به اجرای وثیقه های تودیع شده اقدام کند. این اقدامات شامل برداشت مستقیم از سپرده نقدی بدون نیاز به تشریفات قضایی، فروش اموال رهن شده با رعایت تشریفات قانونی، برداشت مطالبات از محل وجوه حاصله و وصول از ضمانت نامه بانکی یا ضامن در صورت وجود این نوع وثیقه است. در واقع، این پشتوانه قدرتمند به بانک امکان می دهد تا با اطمینان خاطر، تعهد پرداخت خود به فروشنده را ایفاء کند و از زیان های احتمالی جلوگیری نماید.

به طور خلاصه، حق بانک گشاینده در تودیع وثیقه از متقاضی، نه تنها یک مکانیسم حیاتی برای مدیریت ریسک در معاملات اعتبار اسنادی است، بلکه به بانک اطمینان می دهد که حتی در صورت ناتوانی یا عدم تمایل متقاضی به پرداخت، مطالبات مالی آن محفوظ خواهد ماند. برای متقاضی نیز،

ارائه وثیقه مناسب، راهی برای کسب اعتماد بانک و گشایش اعتبار اسنادی است که در نهایت منجر به تسهیل فرایند واردات و صادرات و تضمین جریان روان تجارت بین الملل می شود. این ساختار، به هر دو طرف اصلی معامله و همچنین بانکها، اطمینان خاطر لازم برای انجام معاملات پیچیده فرامرزی را می دهد (بن شعبان، ۲۰۱۴، ۱۱۲).

۲-۱-۲- تعهد به پرداخت هزینه ها و کارمزد

از جمله آثار قرارداد گشایش اعتبار اسنادی تعهدات مالی است که به اولین آن تعهد متقاضی به بازپرداخت و سایر هزینه های مربوط به گشایش اعتبار است. حق بازپرداخت بانک گشاینده منوط به پذیرش بی قید و شرط ذینفع است فلذا بانک گشاینده با تلاشی معقول می بایست به شرایط فرم درخواست پایبند باشد و اگر این دقت را به خرج ندهد در واقع باید ریسک عدم پذیرش را پذیرا باشد (Ellinger, 1965, 48).

حق بازپرداخت خدمات بانکی با توجه به اهدافشان متفاوت است. مانند کمیسیون جهت گشایش اعتبار و ابلاغ آن، انجام اصلاحات، انتقال اعتبار و... بانک به محض گشایش اعتبار مستحق دریافت کارمزد می گردد حتی به فرض این که در انجام تعهدات خود قصور کند چرا که منشاء این حق فرایند گشایش اعتبار اسنادی است و نه قرارداد گشایش اعتبار اسنادی. اگر در اعتبارنامه شرط شده باشد که این هزینه ها به عهده شخصی غیر از متقاضی باشد این شرط قابل اعمال نیست و بانک حق رجوع به متقاضی را از دست نمی دهد (محبی الدین اسماعیل، ۱۹۹۶، ۱۶۰).

در صورت عدم تحقق اعتبار، کمیسیون قابل بازپرداخت نیست. البته عده ای از حقوقدانان معتقدند چنان چه متقاضی اعتبار به صورت غیرموجه اعتبار اسنادی را لغو کند یا از پذیرش اسناد خودداری ورزده کارمزد بانکی به عنوان بخشی از خسارت به بانکدار قابل پرداخت است؛ در یک پرونده امریکایی قاضی دادگاه لیمان درخصوص این که چه زمانی باید بانک مستحق دریافت کارمزد خود می شود؟ تصمیم گیری می کرد. قاضی این پرونده معتقد بود وقتی اعتباری گشایش می شود و متقاضی

دستورات لازم را به بانک ارائه می‌کند، بانک موظف به پذیرش آن است لذا چنان چه پس از آن خود متقاضی هم همکاری‌های بعدی را با بانک به عمل نمی‌آورد این مهم نمی‌تواند منجر به استرداد کارمزد بانک گردد. مشابه همین امر را می‌توان در اعتبارات غیرقابل برگشت تطبیق داد. چرا که به محض این که اعتبار به ذینفع ابلاغ می‌شود بانک مسئولیت‌هایی نسبت به ذینفع پیدا می‌کند، بر همین اساس کارمزد بانک نیز حال می‌شود (محمی‌الدین اسماعیل، ۱۹۹۶، ۵۲).

دومین تعهد مالی، تعهد متقاضی به پرداخت مبلغ اعتبارنامه بانکی است. پرداخت مبلغ اعتبارنامه بانکی اصلی‌ترین تعهد متقاضی نسبت به بانک‌گشاینده اعتبار است، چرا که بانک نیز موظف است مبلغ اعتباری که گشایش شده در حدود ارزش آن و در مدت زمان تعیین شده به ذینفع پردازد چرا که مسئول نهایی وجه پرداختی متقاضی اعتبار می‌باشد (محمی‌الدین اسماعیل، ۱۹۹۶، ۵۴). رای صادره از دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۱ نیز بیانگر این مهم است: «با پرداخت وجه اعتبار این حق برای بانک متصور بوده که به متقاضی اعتبار و متعهد مراجعه نموده و نسبت به مطالبه وجه پرداختی اقدام نمایند».

همچنین، متقاضی اعتبار موظف است معادل مبلغ پرداختی توسط بانک را به صورت مبلغ رایج محل بانک‌گشاینده و با توجه به نرخ‌های مبادله‌ای تعیین شده کشور خود در زمان استرداد ارزش اعتبار به بانک رد کند؛ بنابراین، می‌توان گفت متقاضی متحمل نوسانات نرخ ارز نیز خواهد بود، بانک در راستای انجام تعهدات خود مقید به تعهدات غیرمالی نیز می‌باشد که اولین آن دریافت اسناد و مدارک از بانک‌گشاینده توسط متقاضی است که به راستی مهم‌ترین تعهد غیرمالی متقاضی دریافت مدارک است. از این جهت که متقاضی دریافت اسناد متعهد به رد اصل مبلغ اعتبار به بانک‌گشاینده است و بانک این اطمینان را به متقاضی می‌دهد که پس از تطبیق و بررسی کافی اصالت مدارک آن را به متقاضی تحویل می‌دهد. متقاضی اعتبار در صورت انصراف از تحویل مدارک موظف به اعلام آن به بانک است والا مسئول پرداخت عواقب ناشی از تاخیر دریافت به دلیل آسیب یا از بین رفتن

کالا و یا به طور مثال محاسبه عوارض گمرکی اضافی ناشی از آن خواهد بود (العکلی، ۲۰۰۷، ۴۲۹). بانک گشاینده نیز در فرم درخواست اعتبار اسنادی متنی را درج می کند که متقاضی اعتبار متعهد به دریافت بدون معطلی پس از اطلاع بانک جهت مراجعه برای دریافت اسناد می شود. این اعلام دو اثر مهم دارد، اول متقاضی را از صحت مدارک آگاه و نسبت به پرداخت وجه آن متعهد می کند. دوم این که متقاضی را در قبال تاخیر در دریافت مدارک و مسئولیت های ناشی از آن متوجه خود می سازد. در ادامه تعهدات غیرمالی متقاضی متعهد به عدم صدور دستورالعمل جدید به بانک می باشد. از آن جایی که اعتبار معمولاً غیرقابل برگشت می باشد متقاضی موظف است دستورالعمل جدیدی به بانک صادر نکند که شرایط اعتبار را حین انجام فرایند اعتبار اسنادی تغییر بدهد یا از بانک بخواهد اعتبار را به بهانه بروز اختلاف در قرارداد پایه اجرا نکند. چنان چه صدور چنین دستوری از ناحیه متقاضی صورت گرفت بانک گشاینده نباید آن را استماع کند والا در قبال ذینفع اعتبار مسئول خواهد بود چرا که این امر با اصل استقلال اعتبار از قرارداد پایه در تضاد خواهد بود (العکلی، ۲۰۰۷، ۴۳۰).

۳-۱-۲- تعهد به پرداخت وجه اعتبار

اعتبار اسنادی، به عنوان ابزاری حیاتی در تسهیل تجارت بین الملل، نه تنها تضمینی برای فروشنده جهت دریافت بهای کالایش است، بلکه برای خریدار نیز اطمینان خاطر از دریافت اسناد و در نهایت، خود کالا را فراهم می آورد، اما در این فرایند پیچیده، تعهد نهایی متقاضی به پرداخت وجه به بانک گشاینده اعتبار از اهمیتی بنیادین برخوردار است. این تعهد را می توان ستون فقرات روابط بانکی در هر تراکنش اعتبار اسنادی دانست و عدم ایفاء آن می تواند پیامدهای جدی برای متقاضی به دنبال داشته باشد. هنگامی که بانک گشاینده اعتبار، تعهد خود را مبنی بر پرداخت وجه به ذینفع ایفاء می کند و اسناد مربوط به کالا را دریافت می نماید، متقاضی دستوردهنده فوراً ملزم است که این اسناد را از بانک تحویل بگیرد، این الزام تنها به دریافت فیزیکی اسناد محدود نمی شود، بلکه متقاضی باید حواله صادر شده توسط ذینفع را نیز بپذیرد، پرداخت کند یا تنزیل نماید، مگر این که قبلاً توافقی

خلاف این صورت گرفته باشد.

این فرایند باید در مهلت مقرر در قرارداد اعتبار، به علاوه زمان کافی برای بررسی دقیق اسناد توسط متقاضی و اطمینان از تطابق آن‌ها با قرارداد، انجام شود. این مرحله، به واقع، نقطه عطفی در فرایند اعتبار اسنادی است، چرا که با دریافت اسناد، مالکیت کالا عملاً به متقاضی منتقل می‌شود. تعهد متقاضی در قبال بانک گشاینده، یک تعهد قطعی و بلاقید است. به بیان دیگر، متقاضی متعهد می‌شود که ارزش اسناد یعنی مبلغ اعتباری که به ذینفع پرداخت شده به اضافه کلیه هزینه‌ها و مخارجی که بانک متحمل شده است، را بازپرداخت کند. این هزینه‌ها می‌توانند شامل طیف وسیعی از موارد، از جمله کارمزدهای بانکی، هزینه‌های سوئیفت برای تبادل اطلاعات، هزینه‌های بیمه در صورت لزوم و سایر هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با اجرای اعتبار باشند.

نکته حائز اهمیت این است که این تعهد، مستقل از هرگونه اختلاف احتمالی بین متقاضی و فروشنده در مورد کیفیت یا کمیت کالا است. دلیل این امر آن است که نقش بانک در اعتبار اسنادی، پرداخت وجه در ازای ارائه اسناد مطابق با شرایط اعتبار است و نه تأیید مطابقت کالا با قرارداد فروش اصلی. این استقلال، از اصول اساسی و تضمین‌کننده امنیت خاطر بانک در این نوع از معاملات است، در واقع، بانک نقش واسطه‌ای بی‌طرف را ایفاء می‌کند که تنها به صحت ظاهری اسناد توجه دارد. در صورت عدم ایفاء این تعهد از سوی متقاضی، بانک، برای تضمین بازپرداخت مطالبات خود، غالباً به وثیقه‌گذاری کالا متوسل می‌شود، یعنی اسناد کالا نزد بانک باقی می‌ماند تا زمانی که مبلغ پرداخت شده در اعتبار به‌طور کامل تسویه شود، این مکانیسم به بانک این امکان را می‌دهد که در صورت قصور متقاضی در پرداخت، از طریق اقدامات اجرایی بر روی کالاهای رهن شده، مطالبات خود را وصول کند (قسوری، ۲۰۱۴، ۱۷۷).

۲- اثر حقوقی گشایش اعتبار نسبت به ذینفع

گشایش اعتبار اسنادی، فرایند حقوقی مهمی است که ضمن ایجاد تعهد قطعی برای بانک

گشایش‌دهنده در پرداخت وجه به ذینفع در صورت ارائه اسناد مطابق با شرایط اعتبار، حقوق و تعهداتی را نیز متوجه ذینفع می‌سازد. ذینفع از سویی حق مالکیت بر طلب حاصل از اعتبار را پیدا می‌کند که قابلیت انتقال دارد و می‌تواند مبلغ اعتبار را به صورت کلی یا جزئی برداشت نماید. از سوی دیگر، وی ملزم به ارائه دقیق و کامل تمامی اسناد مورد نیاز بر اساس شرایط اعتبار اسنادی است، چرا که عدم تطابق حتی جزئی‌ترین آن‌ها می‌تواند به عدم پرداخت منجر شود. علاوه بر این، رعایت اصل حسن نیت و پرهیز از هرگونه تقلب در ارائه اسناد و فرایند معامله، تعهدی بنیادین بر عهده ذینفع است؛ زیرا در صورت اثبات تقلب، حتی با وجود انطباق ظاهری اسناد، پرداخت ممکن است متوقف گردد. بدین ترتیب، اعتبار اسنادی چهارچوبی مطمئن برای تجارت بین‌الملل فراهم می‌آورد که بر پایه تعهدات محکم بانکی و اصول حقوقی شفاف استوار است و مستلزم پایبندی ذینفع به شرایط تعیین شده و صداقت در عملکرد است.

۲-۱- حقوق ذینفع نسبت به بانک گشاینده

در نظام حقوقی اعتبارات اسنادی، ذینفع موظف است تعهداتی را که به منظور تضمین دریافت وجه معین شده است با دقت و پایبندی کامل اجرا نماید، این تعهدات که ریشه در اصول حقوقی بین‌المللی و مقررات استاندارد دارد از چنان حساسیتی برخوردار است که کوچک‌ترین انحراف از آن‌ها می‌تواند به رد اسناد توسط بانک و ایجاد اختلافات حقوقی گسترده بینجامد. اساس این تعهدات بر پایه اصل استقلال اعتبار اسنادی استوار است. به این معنا که تعهد بانک به پرداخت، صرفاً به ارائه اسنادی وابسته است که دقیقاً با شرایط مندرج در اعتبار مطابقت داشته باشد، فارغ از این که کالای ارسالی مطابق با قرارداد پایه‌ای باشد یا خیر.

این اصل که در مقررات جهانی اعتبارات اسنادی به رسمیت شناخته شده ذینفع را ملزم می‌سازد تمام تمرکز خود را بر تطابق دقیق اسناد با شروط اعتبار معطوف کند. ذینفع مکلف است اسناد مورد نیاز را که معمولاً شامل فاکتور تجاری، سند حمل بدون قید و شرط، گواهی بازرسی، گواهی مبدأ و

اسناد بیمه می‌شود، در مهلت‌های تعیین شده به بانک ارائه دهد. این اسناد باید از نظر شکلی و ماهوی کاملاً با دستورالعمل‌های اعتبار همخوانی داشته باشند. برای مثال، سند حمل باید حاوی تاریخ حمل واقعی باشد و هیچ اشارهای به آسیب دیدگی کالا نداشته باشد؛ در غیر این صورت بانک مجاز است از پذیرش آن خودداری کند. بر اساس رویه قضایی برخی کشورها، مانند آلمان، اعتبار اسنادی معادل پرداخت نقدی تلقی می‌شود؛ بنابراین، ذینفع حق ندارد به بهانه وجود بدهی متقابل از سوی خریدار از ارائه اسناد خودداری کند یا خواستار تهاتر شود (Fatih, 2022, 43).

این رویکرد نشان می‌دهد که نظام حقوقی، اولویت را به قطعیت پرداخت می‌دهد تا اختلافات احتمالی ناشی از قرارداد پایه. ذینفع همچنین موظف است در تمام مراحل اجرای اعتبار، اصل حسن نیت را رعایت کند چرا که ارائه اسناد جعلی یا مغایر با واقعیت، مانند سند حمل حاوی اطلاعات نادرست درباره تاریخ ارسال کالا، نه تنها موجب محرومیت ذینفع از دریافت وجه می‌شود، بلکه ممکن است او را در معرض اتهام تقلب قرار دهد. در چنین مواردی، حتی اگر اسناد ظاهراً مطابق با شرایط اعتبار باشند، بانک با استناد به مقررات بین‌المللی حق دارد از پرداخت خودداری کند، این تعهد ماهوی در رویه قضایی بسیاری از کشورها به عنوان یک اصل بنیادین پذیرفته شده و نقض آن می‌تواند مسئولیت مدنی ذینفع را به دنبال داشته باشد.

هماهنگی ذینفع با بانک‌های واسط و رعایت سلسله مراتب تعیین شده در اعتبار نیز از جمله تعهدات مهم است. ذینفع باید اسناد را دقیقاً به بانک مشخص شده در اعتبار ارائه دهد و هزینه‌های مرتبط با بررسی اسناد و انتقال وجه را پیش‌بینی کند، تأخیر در ارائه اسناد حتی به میزان اندک ممکن است منجر به انقضای اعتبار و سقوط حق ذینفع شود. برای نمونه، در یک پرونده قضایی معروف که بین یک شرکت بین‌المللی و سازمان ترکیه‌ای رسیدگی شد، دادگاه تأکید کرد که مهلت‌های مندرج در اعتبار باید به صورت دقیق رعایت شوند و هیچ اغماضی در این زمینه پذیرفته نیست. درعین حال، ذینفع از حمایت‌های خاصی نیز برخوردار است (Fatih, 2022, 16).

برای مثال، در صورتی که بانک به دلایلی مانند ورشکستگی از انجام تعهدات خود امتناع کند، ذینفع حق دارد به قرارداد پایه مراجعه و مستقیماً از خریدار مطالبه وجه نماید. این حق که در نظریه‌های حقوقی مورد تأکید قرار گرفته، نشان‌دهنده تعادل بین امنیت پرداخت و انصاف قراردادی است. علاوه بر این، مقررات بین‌المللی تعیین می‌کند که بانک موظف است ظرف مدت مشخصی نسبت به تطابق یا عدم تطابق اسناد اعلام نظر کند که این امر از طولانی شدن فرایند پرداخت جلوگیری می‌کند. با این وجود، چالش اصلی زمانی پدید می‌آید که اسناد ارائه شده دارای ناهم‌خوانی‌های جزئی باشند. در این زمینه، رویه‌های قضایی کشورها متفاوت است برخی دادگاه‌ها با استناد به اصل «تطابق دقیق»، هرگونه انحراف از شروط اعتبار را غیرقابل پذیرش می‌دانند، درحالی‌که برخی دیگر در موارد خاص رویکرد انعطاف پذیرتری اتخاذ می‌کنند. این تفاوت‌ها لزوم آگاهی ذینفع از قوانین حاکم بر اعتبار و انتخاب بانک‌های معتبر را آشکار می‌سازد. در نهایت، موفقیت ذینفع در دریافت وجه، مستلزم دقت در تدوین اسناد، رعایت مهلت‌ها و آگاهی از آخرین تغییرات مقررات بین‌المللی است. هرگونه سهل‌انگاری در این حوزه می‌تواند به هزینه‌های سنگین مالی و حقوقی منجر شود (Fatih, 2022, 17).

اعتبار اسنادی از دو جهت برای فروشنده دارای مزیت است، اول این که از آن جایی که تعهد به پرداخت از طرف یک بانک و نه صرفاً یک خریدار داده می‌شود یک امنیت مالی را برای فروشنده ایجاد می‌کند، دوم این که فروشنده می‌تواند بلافاصله پس از تحویل مدارک مورد مطالبه در اعتبارنامه نسبت به دریافت مبلغ اعتبار مبادرت ورزد و نیازی نیست تا رسیدن کالا به دست خریدار صبر کند. البته خریدار نیز از این ترتیب و مکانسیم سود می‌برد به‌طوری که خریدار نیاز نیست نسبت به پرداخت مبلغ آنی اقدام کند و می‌تواند تا رسیدن کالا و یا حتی مدتی پس از آن پرداخت را به تعویق بیاورد. همچنین، خریدار از موقعیت ایمن‌تری نسبت به خریدار در قرارداد قرار دارد از آن جهت که نیازمند پرداخت آنی در زمان مناقصه و معامله اسناد نیست، همچنین که خریدار از خدمات مشاوره و نظارتی بانک در بررسی و مطابقت اسناد بهره می‌برد (Ellinger, 1965, 40).

۱-۲-۱- حق مالکیت طلب

حق مالکیت طلب ذینفع در اعتبار اسنادی به معنای حقی است که طرف ذینفع نسبت به دریافت وجه اعتبار اسنادی دارد؛ این حق معمولاً از طریق ارائه مدارک مندرج در قرارداد پایه به بانک گشاینده یا بانک کارگزار اجرایی می‌شود. مالکیت طلب ذینفع این است که وقتی مدارک صحیح ارائه شود بانک موظف به پرداخت وجه به وی خواهد بود، این حق به نوعی مشابه با داشتن یک مطالبه مالی است که به موجب آن ذینفع قادر است وجه اعتبار را از بانک یا مؤسسه مالی دریافت کند، مشروط به این که تمام شرایط اعتبار اسنادی رعایت شود. از تعاریف فوق در می‌یابیم اعتبار حادث نشده حقی معلق می‌باشد. حقوق مالی‌ای را که ذینفع با تشکیل اعتبار تحصیل می‌کند، به محض گشایش اعتبار ذینفع مالک طلبی می‌شود که در اثر گشایش اعتبار به نفع او ایجاد شده است هر چند تا پیش از وقوع معلق علیه اعتبار، طلب موصوف طلبی معلق شمرده می‌شود.

از نظر ذینفع اعتبار به عنوان مالک طلب حاصل از اعتبار می‌تواند هر دخل و تصرفی را در ملک خود بنماید. به عنوان نمونه ذینفع می‌تواند مالکیت طلب را به دیگری واگذار کند، یا چنان چه در حقوق کشوری رهن طلب پذیرفته شده باشد، طلب ناشی از اعتبار را نزد دیگری رهن گذارد. انجام این تصرفات حتی در مرحله پیش از وقوع معلق علیه و تنجز طلب نیز ممکن است. در حقیقت معلق بودن طلب مانع انجام تصرفات ناقله در طلب یا به وثیقه نهادن آن نیست در این صورت مالک بعدی طلب انتقال گیرنده طلب یا مرتهن در برابر مدیون بانک گشاینده حقی بیش از خود ذینفع نخواهند داشت؛ به این معنا که تا زمان تحقق معلق علیه اعتبار طلب نسبت به ایشان نیز طلبی معلق به شمار خواهد آمد و گذشته از حق مالکیت طلب که در اثر گشایش اعتبار برای ذینفع ایجاد می‌شود به نظر می‌رسد شرط عدم انتقال اعتبار توسط ذینفع با اصل حاکمیت اراده در تضاد نباشد (بنایاسری، ۱۳۹۹، ۶۴۵).

باید توجه داشت که انتقال طلب با انتقال اعتبار اسنادی تفاوت دارند. در انتقال طلب هدف جابجایی طلب از دارایی طلبکار قدیم به دارایی طلبکار جدید است. در این فرایند، طلبکار قدیم به طور کامل از رابطه حقوقی خود با مدیون حذف شده و طلبکار جدید به طور کامل جانشین او

می‌شود. به عبارت دیگر، این انتقال به‌طور کامل و بدون هیچ‌گونه مداخله یا رضایت مدیون انجام می‌شود. در این جا، طلبکار جدید تمام حقوق و مزایای طلب را دریافت می‌کند و طلبکار قدیم از این حقوق محروم می‌شود. در انتقال اعتبار اسنادی، گشایش اعتبار اسنادی منجر به ایجاد حق یا طلب برای ذینفع نمی‌شود، بلکه تنها حقوق و تعهدات خاصی را بر اساس قرارداد پایه برای ذینفع اول و دوم فراهم می‌آورد. این حقوق منوط به انجام تعهدات خاصی از طرف ذینفع دوم است مبنی بر شرط مقدم و برای وی حق مسلم و منجزی برای به وجود می‌آید (بنیاسری، ۱۳۹۹، ۶۴۶).

در مورد انتقال و واگذاری، حق برداشت تحت اعتبارنامه فقط زمانی قابل انتقال است که صراحتاً در متن اعتبارنامه قید شده باشد، اما حق دریافت عواید اعتبارنامه، حتی اگر اعتبارنامه غیرقابل انتقال باشد، توسط ذینفع قابل واگذاری است. این واگذاری تا زمانی که اعتبارنامه به انتقال گیرنده تحویل داده نشود، مؤثر نیست فلذا بانک گشاینده می‌تواند پرداخت‌ها را به ذینفع اصلی ادامه دهد تا زمانی که اطلاعیه کتبی در مورد واگذاری دریافت کند و پس از آن می‌تواند پرداخت را به انتقال گیرنده انجام دهد، اما ممکن است از پذیرش یا پرداخت خودداری کند تا زمانی که اصل اعتبارنامه به او ارائه شود.^۲

۲-۱-۲- حق برداشت مبلغ اعتبار (کلی و جزئی)

حق برداشت جزئی یا کلی در پرداخت جزئی طلب نیز از مسائل مهم در این زمینه است، شاید موافقت طلبکار شرط باشد، اما عکس این گفته یعنی لزوم موافقت بدهکار با استیفای جزئی طلب، قابل پذیرش نمی‌باشد. چرا که طلب ناشی از اعتبار اسنادی، طلبی معلق شمرده می‌شود که تنجز آن منوط به ارائه اسناد مشخصی است که دلالت بر انجام تعهدات راجع به قرارداد پایه بیع دارد؛ بنابراین، چگونگی تنجز این طلب و اراده‌ای که صورت می‌گیرد با حقوق خریدار در ارتباط و پیوند است؛ اهمیت این مسئله آن است که در صورت اباحه برداشت جزئی مبلغ اعتبار در حقیقت تلویحاً پذیرفته شده است که ارائه اسناد راجع به اجرای تعهدات عقد پایه بیع، یعنی ارسال میع، نیز می‌تواند به نحو

جزئی صورت گیرد و فروشنده بتواند با ارسال بخشی از محموله و تهیه اسناد راجع به آن بخش، تنها جز از مبلغ اعتبار را که با اسناد موضوع ارائه متناسب است، دریافت کند.

اعتبار که به معنای ارسال جزئی محموله و ارسال به دفعات است همیشه منافع خریدار را بر آورده نمی‌سازد؛ بنابراین، خریداری که ملاحظه می‌کند ارسال مبیع به دفعات با منافع او در تعارض است بهتر است در قرارداد بیع بر ممنوعیت ارسال محموله با کشتی‌های متعدد یا در زمان‌های مختلف به شکل حمل به دفعات با فروشنده توافق نماید و متعاقب آن در قرارداد گشایش اعتبار برداشت جزئی مبلغ اعتبار را ممنوع اعلام کند، چندان که لازم باشد کل مبلغ اعتبار در برابر ارائه واحدی که دلالت بر ارسال یکباره مبیع داشته باشد برداشت شود.

موضوع برداشت جزئی وجه اعتبار در باب پنجم جدید کد متحد تجارت ایالات متحده امریکا پیش‌بینی نشده است و حکمی در این خصوص در باب مزبور دیده نمی‌شود (بنیاد نیاسری، ۱۳۹۹، ۶۵۷). در کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به ضمانت نامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های تضمینی نیز حکمی درباره برداشت جزئی مبلغ تعهدنامه نیامده است. مقررات یو سی پی ۶۰۰ طی ماده ۳۱ خود مقرر نه نسبتاً مفصلی را درباره برداشت جزئی مبلغ اعتبار و ارسال محموله به دفعات پیش‌بینی کرده است. مطابق بند الف ماده ۳۱ یو سی پی ۶۰۰: «برداشت‌های جزئی یا ارسال محموله طی اقساط متعدد مجاز است». بند ب ماده فوق نیز بیان می‌کند: «ارائه‌ای که مشتمل بر بیش از یک مجموعه اسناد حمل می‌باشد که دلالت بر ارسالی دارند که با وسیله حمل واحد و سفر واحدی انجام می‌گیرد به شرط آن که بیانگر مقصد واحدی باشند به عنوان اسنادی که دلالت بر ارسال جزئی و به دفعات محموله دارند محسوب نمی‌شوند ولو آن که آن اسناد بیانگر تاریخ‌های متفاوت ارسال بنادر مختلف بارگیری محل‌های مختلف در اختیار گرفتن یا محل‌های مختلف فرستادن محموله باشند».

اگر ارائه مشتمل بر بیش از یک مجموعه اسناد حمل باشد آخرین تاریخ ارسال که در یکی از این مجموعه اسناد حمل ذکر شده به عنوان تاریخ ارسال محسوب خواهد شد. ماده ۳۲ یو سی پی ۶۰۰ که تحت عنوان برداشت و ارسال محموله به نحو اقساطی در این مجموعه آمده است، مقرر می‌دارد: «اگر

در اعتبار شرط شده باشد که برداشت یا حمل در اقساط معین و در دوره‌های زمانی مشخصی انجام شود و هر قسط در دوره زمانی تعیین شده برای آن قسط برداشت یا حمل نگردد، اعتبار برای آن قسط و هر قسط بعدی غیر قابل استفاده می‌گردد» (بنیادنیاسری، ۱۳۹۹، ۲۵۸).

۲-۲- تعهدات ذینفع نسبت به بانک گشاینده

در سیستم اعتبار اسنادی، ذینفع در قبال بانک گشاینده دارای تعهداتی کلیدی برای موفقیت معامله است. اصلی‌ترین تعهد، ارائه دقیق اسناد مطابق با شرایط اعتبار اسنادی است، زیرا بانک صرفاً بر اساس بررسی ظاهری این اسناد پرداخت یا قبول تعهد می‌کند. علاوه بر این، ذینفع متعهد به رعایت حسن نیت در ارائه اسناد است، یعنی اسناد باید واقعی و بدون فریب باشند. اگرچه بانک‌ها مسئولیت صحت واقعی کالا یا اسناد را ندارند و تنها به بررسی ظاهری اکتفاء می‌کنند، اما این امر رافع مسئولیت ذینفع در قبال سوءنیت و تقلب نیست. تقلب می‌تواند شامل جعل اسناد، ارائه اسناد مربوط به کالای غیر واقعی، یا هر اقدام فریبکارانه دیگری برای دریافت وجه اعتبار بدون انجام تعهدات واقعی باشد. در صورت اثبات تقلب فاحش از سوی ذینفع، با وجود اصل استقلال اعتبار اسنادی که حکم به پرداخت توسط بانک می‌دهد، ممکن است استثنائاتی وارد شود و بانک بتواند از پرداخت خودداری کند (بنیادنیاسری، ۱۳۹۹، ۲۴۵).

در نهایت، ذینفع می‌تواند مسئول جبران خسارات وارده به متقاضی و حتی بانک شناخته شود. در مجموع، تعهدات ذینفع به ارائه اسناد مطابق با اعتبار، همراه با حسن نیت و پرهیز از تقلب، ارکان اصلی حفظ اعتماد و امنیت در معاملات بین‌المللی از طریق اعتبار اسنادی را تشکیل می‌دهند.

۲-۲-۱- تعهد به ارائه اسناد

اعتبارات اسنادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای پرداخت در تجارت بین‌الملل همواره محل بحث‌های حقوقی بوده است و در این میان نظریه «حق اختیار ذینفع» از جمله دیدگاه‌هایی است که با استناد به مالکیت طلب ذینفع، اختیار مطلق وی در ارائه یا عدم ارائه اسناد را به رسمیت می‌شناسد. بر

اساس این نظریه، ذینفع نه تنها در برابر بانک گشاینده ملزم به ارائه اسناد نیست، بلکه عدم اقدام وی به ارائه اسناد نیز هیچ مسئولیتی برایش در قبال بانک ایجاد نمی کند، چرا که رابطه حقوقی بین ذینفع و بانک را قراردادی نمی داند، بلکه اعتبار اسنادی را دارای ماهیتی ایقاعی و ناشی از اراده یکجانبه بانک گشاینده قلمداد می کند (بنائیسری، ۱۳۹۹، ۶۴۴).

در نظری دیگر اعتبارنامه به عنوان یک سازوکار پرداخت به نفع ذینفع عمل می کند و ذینفع هیچ الزامی به ارائه اسناد به گشایش کننده ندارد مگر این که تمایلی به دریافت وجه داشته باشد. اعتبارنامه به ذینفع حق انتخاب می دهد و تکلیفی به عهده او نمی گذارد. باین حال، مسئولیت های ذینفع بر اساس قرارداد اصلی با طرف مقابل متمایز است و این قرارداد می تواند شامل تعهداتی مانند فروش کالا باشد که مستقل از اعتبارنامه است. اگر ذینفع تصمیم به ارائه اسناد گرفت، در صورت اجرای نادرست ممکن است مسئول شناخته شود، مسئولیت ذینفع معمولاً هنگام انتقال یا ارائه اسناد بروز می کند.

با تمامی آن چه که بیان شد پرسش اساسی مطرح می شود که آیا ذینفع در ارائه اسناد مختار است و یا متعهد؟ تعهد ذینفع به ارائه اسناد به بانک گشاینده در اعتبار اسنادی، مسئله ای بنیادین است که تبیین آن مستلزم تأکید بر ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی است و آن را به وضوح از اعمال حقوقی یکجانبه متمایز می سازد. از منظر تحلیل حقوقی، اعتبار اسنادی را نمی توان در قالب یک ایقاع جای داد، این عدم تطابق ریشه در آن دارد که اگر اعتبار اسنادی ماهیت ایقاعی می داشت، بانک گشاینده این امکان را می یافت که تا پیش از ارائه اسناد توسط ذینفع، از تعهد خویش عدول نماید، چنین امری، هدف غایی اعتبار اسنادی، یعنی ایجاد اطمینان و قطعیت پرداخت برای فروشنده، را به کلی نقض می کند.

علاوه بر این، در قوانین حقوقی مهمی چون کد متحد تجارت ایالات متحده امریکا، تصریح بر عدم لزوم وجود عوض برای صدور اعتبار اسنادی، به طور ضمنی تأییدکننده ماهیت قراردادی آن است؛ چرا که لزوم یا عدم لزوم عوض، تنها در چهارچوب نظریه قرارداد مطرح می شود و نه درخصوص ایقاعات. همچنین، اصل توقیفی بودن ایقاعات نیز مانع از آن است که اعتبار اسنادی به سادگی تحت شمول یک ایقاع قرار گیرد. در مقابل، شواهد و استدلال های متعددی بر ماهیت

قراردادی اعتبار اسنادی دلالت دارند. این قرارداد با ایجاب از سوی بانک گشاینده و قبول از جانب ذینفع منعقد می‌گردد. نکته حائز اهمیت آن است که این قبول لزوماً نیازمند یک اقدام صریح نیست؛ بلکه حتی سکوت ذینفع پس از ابلاغ اعتبارنامه و عدم رد آن در مهلت مقرر نیز به منزله قبول تلقی می‌شود. این رویکرد، ضمن حفظ کارکرد عملی و امنیت حقوقی اعتبار اسنادی، ابهام مربوط به زمان دقیق انعقاد قرارداد را مرتفع می‌سازد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی در تحلیل ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی، مسئله عوض است که اگرچه ممکن است شکل آن با قراردادهای سنتی متفاوت باشد، اما قابل توجیه است. این عوض را می‌توان از سه منظر تبیین نمود. نخست، دیدگاهی که بر عدم لزوم ذاتی عوض در برخی قراردادها تأکید دارد، به گونه‌ای که صرف توافق اراده طرفین برای لازم‌الاجرا شدن قرارداد کفایت می‌کند. دوم، ارائه عوض توسط متقاضی به بانک، در مقابل تعهد بانک به پرداخت به ذینفع. سوم که مورد تأیید رویه قضایی نیز قرار گرفته، این است که تعهد ذینفع به اقدام مطابق با مفاد اعتبار اسنادی، شامل تحویل کالا و ارائه اسناد منطبق، به منزله عوض تعهد بانک عمل می‌کند، این بدان معنا است که بانک در قبال ایفاء تعهدات قراردادی ذینفع، وجه را پرداخت می‌نماید (مافی و همکاران، ۱۴۰۱، ۹۹).

۲-۲-۲- تعهد به رعایت حسن نیت و پرهیز از تقلب

در نظام اعتبارات اسنادی، تعهد ذینفع به رعایت حسن نیت یکی از اصول کلیدی است که بر پایه الزامات قانونی و عرف تجاری استوار است. این تعهد به معنای این است که ذینفع در ارائه اسناد و اجرای تعهدات خود باید با حسن نیت رفتار کند و از هرگونه سوءاستفاده یا ارائه اطلاعات نادرست اجتناب ورزد. ذینفع موظف است اسنادی را که مطابق با شرایط اعتبار اسنادی است به بانک ارائه دهد و هرگونه تلاش برای جعل، تحریف یا ارائه اطلاعات نادرست، نقض اصل حسن نیت محسوب می‌شود. اطلاعاتی که در اسناد ارائه می‌شود باید کاملاً مطابق با شرایط واقعی و مفاد قرارداد باشد. هرگونه تلاش برای پنهان کاری یا دست کاری اطلاعات می‌تواند تعهد حسن نیت را نقض کند.

ذینفع باید در چهارچوب زمانی مقرر، اسناد مورد نیاز را ارائه دهد، هرگونه تأخیر یا رفتار غیرمنصفانه‌ای که موجب آسیب به طرف مقابل شود، نقض حسن نیت است. اگر کالاها یا خدمات تحویلی با شرایط قرارداد مطابقت نداشته باشد، ذینفع در راستای حفظ حسن نیت موظف است مشکلات را برطرف کند و نمی‌تواند از اعتبار اسنادی به‌عنوان ابزار فشار استفاده کند. چنان‌چه حسن نیت توسط ذینفع نقض شود و این مهم کشف شود، بانک می‌تواند اسناد معیوب را رد کند یا خریدار می‌تواند نسبت به عدم رعایت تعهدات از ذینفع شکایت کند. همچنین، ممکن است ذینفع در معرض مسئولیت‌های قانونی و خسارت قرار گیرد.

اصل حسن نیت در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله مقررات یو سی پی ۶۰۰ و قوانین مرتبط با تجارت بین‌الملل تصریح شده است (Barnes, 1994, 102). همچنین، در حقوق داخلی بسیاری از کشورها، اصل حسن نیت به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در قراردادها شناخته می‌شود. اصل حسن نیت در اعتبارات اسنادی به‌صورت مستقیم در قالب یک ماده خاص در مقررات یو سی پی ۶۰۰ ذکر نشده است، اما به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تفاسیر مقررات، نقش بنیادین آن قابل استناد است. به‌طور مثال ماده ۵ این ماده بیان می‌کند که بانک‌ها فقط با اسناد سروکار دارند، نه با کالاها، خدمات یا عملکرد مرتبط با قرارداد، باین‌حال، ارائه اسناد باید دقیق و مطابق با مفاد اعتبار باشد، به همین روی ذینفع موظف است اسناد را مطابق شرایط ارائه دهد و از ارائه اطلاعات نادرست اجتناب کند. همچنین، در ماده ۱۴ آمده است که بانک‌ها باید اسناد ارائه شده را با دقت منطقی بررسی کنند تا تطابق آن‌ها با شرایط اعتبار تأیید شود. این ماده غیرمستقیم بر شفافیت و صحت اسناد تأکید دارد که تعهد به حسن نیت را به‌عنوان یک پیش‌فرض عملی در ارائه اسناد توسط ذینفع مطرح می‌کند.

اگرچه مقررات یو سی پی ۶۰۰ به‌طور مستقیم از عبارت حسن نیت استفاده نمی‌کند، اما روح حاکم بر این مقررات و عرف تجاری بین‌المللی بر رفتار منصفانه و اخلاقی در تعاملات تجاری تأکید دارد. در ماده ۷ کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره قراردادهای بیع بین‌المللی کالا بر اصل حسن نیت در تفسیر و اجرای تعهدات قراردادی تأکید شده است. این اصل می‌تواند در روابط بین فروشنده،

خریدار و بانک‌ها اعمال شود و مبنایی عرفی در تجارت بین‌الملل قرار گیرد (Barnes, 1994, 105).

مفهوم حسن نیت و مصادیق آن در حقوق موضوعه ایران به معنای جهل و نیز آگاهی به کار رفته است. حسن نیت به صراحت در ماده ۱۵۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و ماده ۹۶ مکرر قانون دریایی مصوب ۱۳۹۱ آمده و مصداق آن به معنای جهل و علم و ضد آن به معنای دروغ و نیرنگ در قانون موضوعه زیاد به کار رفته است. از این مقررات استنباط می‌شود که حسن نیت به معنای گفتار و رفتار صادقانه در تفسیر و اجرای قراردادها کاربرد دارد. در این خصوص می‌توان به ماده ۲۷۹ قانون مدنی به عنوان یکی از مصادیق اجرای با حسن نیت قرارداد اشاره کرد. حاکمیت صداقت در روابط قراردادی ایجاب می‌کند اشخاص رفتار و گفتار صادقانه داشته باشند و تعهدات با حسن نیت اجرا شود. با استقراء در مصادیق حسن نیت در حقوق موضوعه می‌توان به وجود این اصل در حقوق ما به خصوص در قراردادها دست یافت (کاتوزیان و عباس‌زاده، ۱۳۹۲، ۱۸۵).

پرونده شرکت اینتراورلد اینداستریز در برابر بانک ژیرارد تراست و پائولت سیمبالیستا در سال ۱۹۷۵ میلادی در دیوان عالی ایالت پنسیلوانیا مورد رسیدگی قرار گرفت. این پرونده به درخواست شرکت اینتراورلد برای صدور دستور موقت قضایی به منظور جلوگیری از پرداخت وجه یک برات تحت اعتبار اسنادی توسط بانک ژیرارد تراست به نفع خانم پائولت سیمبالیستا مربوط می‌شد. ماجرا از آن جا آغاز شد که شرکت اینتراورلد یک هتل لوکس واقع در سنت موریتز سوئیس را از خانم سیمبالیستا اجاره کرد. در یک متمم به قرارداد اجاره، شرکت اینتراورلد متعهد شد به جای ارائه ضمانت‌نامه اجرایی، دو فقره اعتبار اسنادی هریک به مبلغ یکصد هزار دلار از بانک ژیرارد تهیه کند تا پرداخت اجاره بهای یک سال آینده را تضمین نماید. پس از مدتی، به دلیل بروز مشکلات مالی در هتل و عدم پرداخت برخی از صورتحساب‌ها توسط شرکت اینتراورلد، خانم سیمبالیستا از طریق وکیل خود در سوئیس به شرکت اینتراورلد مهلتی داد تا وضعیت را بهبود بخشد و تهدید کرد که در صورت عدم انجام این کار، قرارداد اجاره را فسخ خواهد کرد.

در تاریخ دهم نوامبر ۱۹۷۳ میلادی، شرکت اینتراورلد اجاره بهای سررسید شده را پرداخت نکرد

در نتیجه، وکیل خانم سیمبالیستا در ایالات متحده امریکا یک برات به مبلغ یکصد هزار دلار تحت اعتبار اسنادی به بانک ژیرارد ارائه کرد. مدارک ارائه شده به همراه برات، ظاهراً با شرایط اعتبار اسنادی مطابقت داشت، بانک ژیرارد به شرکت اینتراورلد اطلاع داد که قصد دارد وجه برات را پرداخت کند. شرکت اینتراورلد بلافاصله به دادگاه حقوقی فیلادلفیا شکایت کرد و خواستار صدور دستور موقت برای منع بانک ژیرارد از پرداخت وجه برات شد. پس از مدتی دعوای اولیه با توافق همه طرفین خاتمه یافت و مبلغ یکصد هزار دلار به صورت امانی در یک بانک سوئیسی قرار گرفت تا تعیین تکلیف نهایی آن توسط دادگاه‌های سوئیس صورت پذیرد.

حدود شش ماه بعد، در تاریخ دهم می ۱۹۷۴ میلادی، اجاره بهای سررسید شده مجدداً توسط شرکت اینتراورلد پرداخت نشد، خانم سیمبالیستا بار دیگر یک برات دیگر به مبلغ یکصد هزار دلار تحت اعتبار اسنادی به بانک ژیرارد ارائه کرد و باز هم مدارک ارائه شده ظاهراً با شرایط اعتبار مطابقت داشت. شرکت اینتراورلد برای بار دوم به دادگاه حقوقی فیلادلفیا شکایت کرد و خواستار صدور دستور موقت و دائم برای منع بانک ژیرارد از پرداخت وجه این برات شد. دادگاه بدوی درخواست منع موقت را رد کرد و شرکت اینتراورلد به دیوان عالی ایالت پنسیلوانیا تجدیدنظرخواهی کرد. شرکت اینتراورلد در دادگاه تجدیدنظر استدلال کرد که پرداخت وجه برات باید منع شود. زیرا اولاً، «اظهارات خانم سیمبالیستا مبنی بر عدم پرداخت اجاره بها پس از فسخ قرارداد اجاره در سپتامبر ۱۹۷۳ میلادی نادرست و متقلبانه بوده است. ثانیاً، مطالبه خانم سیمبالیستا در واقع مطالبه وجه التزام مقرر در متمم قرارداد بوده، نه اجاره بها، درحالی که اعتبار اسنادی صرفاً برای تضمین پرداخت اجاره بها صادر شده بود. ثالثاً، بانک ژیرارد با حسن نیت عمل نکرده و می‌بایست از پرداخت وجه برات خودداری می‌کرد».

دیوان عالی پنسیلوانیا رای دادگاه بدوی را تأیید کرد و درخواست شرکت اینتراورلد برای صدور دستور منع موقت را رد نمود. دادگاه در رای خود بر اصل استقلال اعتبار اسنادی تأکید کرد. بر اساس این اصل، تعهد بانک صادرکننده اعتبار اسنادی مستقل از قرارداد اصلی بین خریدار و فروشنده است و بانک تنها با اسناد ارائه شده سروکار دارد، اگر اسناد ارائه شده ظاهراً با شرایط اعتبار مطابقت داشته

باشند، بانک موظف به پرداخت است، مگر در مواردی که تقلب در معامله به گونه‌ای باشد که بر روی اسناد مشهود نباشد. در این پرونده، دیوان عالی تشخیص داد که شرکت اینتراورلد نتوانسته است ثابت کند که ادعای خانم سیمبالیستا هیچ مبنای واقعی ندارد یا اسناد ارائه شده متقلبانه هستند. دادگاه اشاره کرد که شرکت اینتراورلد نتوانسته است به دادگاه ثابت کند که فسخ قرارداد اجاره طبق قوانین سوئیس به طور قانونی انجام شده است. علاوه بر این، نامه وکیل سوئیسی شرکت اینتراورلد در نوامبر ۱۹۷۳ میلادی نشان می‌داد که شرکت با فسخ قرارداد موافق نبوده و حتی خانم سیمبالیستا را مجاز به دریافت وجه از طریق اعتبارات اسنادی می‌دانسته است.

نتیجه

در این پژوهش، آثار حقوقی گشایش اعتبار اسنادی و تأثیرات آن بر خریدار و ذینفع به طور جامع مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل‌ها نشان می‌دهند که رابطه حقوقی بین بانک گشاینده اعتبار و آمر به عنوان یک قرارداد محوری، مشمول حقوق و تعهدات مشخصی است که تحت تأثیر مقررات بین‌المللی قرار دارد. آمر به عنوان متقاضی، اختیارات و حقوقی از قبیل درخواست گشایش اعتبار و حق اعتراض دارد، درحالی‌که بانک موظف است اعتبار را بر اساس شرایط تعیین‌شده گشایش دهد. از سوی دیگر، بررسی وضعیت ذینفع در این فرایند نشان می‌دهد که او به طور مشخص ملزم به ارائه اسناد مطابق با شرایط قرارداد اعتبار اسنادی است. این تعهد به ارائه اسناد، به‌ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که عدم تطابق در اسناد می‌تواند به عدم پرداخت وجه منجر شود. همچنین، اصل حسن نیت و پرهیز از تقلب در ارائه اسناد از اصول اساسی است که باید در تعاملات تجاری رعایت شود.

گشایش اعتبار اسنادی با ایجاد مجموعه‌ای از روابط حقوقی مستقل میان خریدار، فروشنده و بانک‌ها، یکی از مؤثرترین سازوکارهای تضمین پرداخت در تجارت بین‌الملل به شمار می‌رود. مهم‌ترین اثر آن نسبت به خریدار، ایجاد تعهد به تأمین وجه اعتبار و پذیرش پرداخت در صورت ارائه

اسناد منطبق از سوی ذینفع است. در مقابل، خریدار از این امتیاز برخوردار می‌شود که بانک تنها در صورت احراز انطباق ظاهری اسناد با شرایط اعتبار، وجه را پرداخت کند؛ از این رو، وی از خطر پرداخت ثمن بدون ارائه اسناد مقرر تا حد زیادی مصون می‌ماند. با این حال، اصل استقلال اعتبار اسنادی موجب می‌شود که خریدار، جز در موارد استثنایی مانند تقلب آشکار، نتواند با استناد به اختلافات ناشی از قرارداد پایه، مانع پرداخت بانک به ذی‌نفع شود.

از سوی دیگر، مهم‌ترین اثر گشایش اعتبار نسبت به فروشنده (ذینفع)، ایجاد حق مطالبه وجه اعتبار از بانک در صورت ارائه اسناد منطبق است؛ حقی که مستقل از روابط قراردادی وی با خریدار بوده و امنیت و اطمینان لازم را برای دریافت ثمن فراهم می‌آورد. در نتیجه، فروشنده به جای اتکاء صرف به توان مالی یا حسن نیت خریدار، از تعهد مستقل بانک بهره‌مند می‌شود که این امر ریسک عدم پرداخت را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد؛ بنابراین، گشایش اعتبار اسنادی تعادلی میان منافع خریدار و فروشنده برقرار می‌سازد؛ بدین معنا که از یک سو پرداخت را به ارائه اسناد منطبق مشروط می‌کند و از سوی دیگر، حق فروشنده برای دریافت وجه را از اختلافات قرارداد پایه مستقل می‌سازد. همین ویژگی‌ها سبب شده است که اعتبار اسنادی همچنان مطمئن‌ترین و کارآمدترین شیوه پرداخت در معاملات تجاری بین‌المللی محسوب شود.

در نهایت، پژوهش حاضر بر لزوم آگاهی از حقوق و تعهدات طرفین در فرایند گشایش اعتبار اسنادی تأکید می‌کند. شناخت دقیق این حقوق و تعهدات، می‌تواند به کاهش ریسک‌های حقوقی و مالی ناشی از عدم تطابق اسناد و سوء تفاهم‌ها کمک کند و در نتیجه، امنیت بیشتری را در معاملات بین‌المللی فراهم آورد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بنایاسری، ماشاءاله، ۱۳۹۹، **حقوق اعتبارات اسنادی**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر و عباسزاده، محمدهادی، ۱۳۹۲، **حسن نیت در حقوق ایران، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، شماره ۳.
- مافی، همایون؛ بهرامپوری، رسول؛ رامشی، میثم، ۱۴۰۱، **تحلیل حقوقی ماهیت اعتبارات اسنادی، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی**، شماره ۲۱.

عربی

- العکلی، عزیز، ۲۰۰۷، **شرح القانون التجاری**، عمان، دارالعلم والثقافه للنشر والتوزيع.
- بن شعبان، حکیمه، ۲۰۱۴، **الاعتماد المستندی والتجاره الخارجیه، رساله ماجستير**، جامعه مولود معمری تیزی وزو، الجزائر.
- قسوری، فهیمه، ۲۰۱۴، **المسئولیه المدنیه فی الاعتماد المستندی، رساله الدکتري**، جامعه محمد خضر- بسکره، الجزائر.
- محیی الدین اسماعیل، علم الدین، ۱۹۹۶، **لاعتماذ المستندیه**، مؤسسه بین المللی اندیشه اسلامی، ایالات متحده امریکا.
- نابی، مریم، ۲۰۲۴، **المسئولیه البنک فی الاعتماد المستندی، رساله الدکتري**، جامعه مولود معمری تیزی وزو، الجزائر.

لاتین

- American Law Institute and American Bar Association, Committee on Continuing Professional Education, 1985, Letters of Credit.
- Barnes, James G., 1994, Defining Good Faith Letter of Credit Practices, Loyola of Los Angeles Law Review, 28 (1).
- Ellinger, Edward Peter., 1965, The Relationship Between Banker and Buyer Under Documentary Letters of Credit, University of Western Australia Law Review, 7 (1).
- Fatih, Ölmez, 2022, Legal Relationship Between the Supervisor of a Letter of Credit and

the Beneficiary of a Letter of Credit, The Journal of International Scientific Researches, 7 (1).

- Sullivan, Frank, 2019, Banking, Business, and Contract Law, Indiana Law Review 52.
- Weinberg, Lisa G. 1986, Letter of Credit Litigation--Bank Liability for Punitive Damages, Fordham Law Review, 54 (5).

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.28- Summer 2026

Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadreza Amiri Larijani

Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change

Sobhan Tayebi, Majede Magholi

Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae

Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh

Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System

Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhræi

Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods

Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi

A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law

Saber Sayyari Zohan

Challenges of Electronic Documents in Iranian Law

Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor

The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions

Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri

Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts

Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari

A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death

Sayede Nazanin Mousavi

Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System

Kamran Rahimi Sekkeh Ravani

A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions

Mahdi Rajaean, Jafar Ghajeh Beigloo

Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures

Javad Cheraghi

Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade

Esmail Chogani

The Function of the Prosecutors Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights

Vahid Kioumars

Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL

Model Law; Theories and Practices

Saeed Johar

the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghavi

The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors

Hamidreza Ghanaatian

The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach

Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi

The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law

Negar Fouladi, Vajihe Mohseni

Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province

Ahmad Padidar, Mohammad Kamali

Smart Contract in the Iranian Legal System

Mahdi Salehi Zadeh

Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability

Saeed Sardashti Birjandi

the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure

Mohammadhasan Malek Mohammadi

Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability

Zahra Enalouy Esfahani

The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions

Amirreza Alitabar

Institutional Castling: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States

Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri